

شکست کساندند. پیمان مکه حدود ۴ ماه دوام آورد اما درگیری‌های داخلی در فلسطین که فضلی از حوادث خونین ۸۶ این سرزمین است آن را به طور کامل منسوخ ساخت و همه چیز به وضعیت پیشین بازگشت، اما با یک تفاوت بزرگ: کرانه باختری تحت کنترل فتح قرار گرفت و نواز غزه به کنترل حماس درآمد. آنتنی ناپذیری ایدئولوژیک فتح و حماس در تقسیم این دو قسمت از خاک فلسطین کاملاً هویدا شد و از این پس طرح تشکیل دولت دوگانه در فلسطین مطرح شد.

حماس در غزه موجودیت خود را حفظ کرد و ابومازن در کرانه باختری دولت جدیدی به نخست‌وزیری سلام فیاض منصوب کرد. از این مرحله، دور جدیدی از رویارویی آغاز شد. فتح با حمایت و همکاری اسرائیل تقابل با حماس را به ابعاد وسیع امنیتی و اقتصادی گسترش داد و به جنگ رژیم صهیونیستی علیه برادران فلسطینی خود مشروعیت بخشید. با چراغ سبز فتح و ابومازن بود که دولت‌های محافظه‌کار عرب نیز در صف محاصره کنندگان حماس وارد شدند. در این هنگام عوامل دیگری بر این منازعه تأثیر گذاشتند. اولین رشته این عوامل سیاست آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای اروپایی بود که با وارد کردن ابومازن در طرح‌های ضد مقاومت باعث تداوم منازعه بین فتح و حماس و عدم بازگشت آنها به وضعیت تعامل شدند. با این حال هیچ کدام از این طرح‌ها و تدابیر قادر به حذف حماس نشد.

● استقبال از شکست در آنابولیس

فلسطین محور رایزنی‌های گسترده جامعه جهانی در سال گذشته بود. در این میان، واشنگتن تمام هم و غم خود را برای ایفای نقش در فلسطین صرف کرد، تا از این گذر وجهه مخدوش آمریکا در پی جنگ عراق را ترمیم کرده و راهی برای تحقق وعده بوش برای تشکیل نظام دو دولتی به ریاست دو شریک بوش (ابومازن و اولمرت) بیابد. به این صورت بود که با پیشنهاد جورج بوش طرح برگزاری کنفرانسی برای حل مسئله فلسطین در آنابولیس ارائه شد این کنفرانس که در اوایل ماه

دسامبر و با هدف احیای روند مذاکرات سازش با اسرائیل برگزار شد، اساساً در لحاظ محتوا نکته جدیدی دربرداشت و به قول تحلیلگران به گرفتن عکس یادگاری با اعراب و مقام‌های اسرائیلی و نمایش ژست صلح‌طلبی واشنگتن تنزل یافت.

اصل برپایی این کنفرانس ریشه در طرحی داشت که بوش در آغازین ماه‌های هزاره سوم برای تغییر در اصول سیاست خارجی آمریکا در قبال مسئله فلسطین مطرح کرده بود. این طرح شش سال در آرشيو وزارت خارجه آمریکا ماند تا این که آمریکا در باتلاق عراق به دنبال یافتن روزنه فرار از آن به مسئله فلسطین متوسل شد. البته شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه علیه حزب‌الله لبنان نیز عامل دیگری بود که واشنگتن و تل‌آویو را بر آن داشت تا به سیر سیاست خود برای مهار شاخه دیگر مقاومت در فلسطین شتاب بخشند. مقدمات این کنفرانس بین‌المللی ماه‌ها طول کشید و طی این مدت کاندولیزا رایس وزیر خارجه آمریکا، ایهود اولمرت نخست‌وزیر اسرائیل و ابومازن بارها دیدار و گفت‌وگو کردند اما تا لحظاتی پس از آغاز کنفرانس که بیش از ۴۰ کشور و گروه - به جز حماس - در آن شرکت کرده بودند سندی آماده نشد.

در نهایت طرف‌های مذاکره سرانجام طرحی را به عنوان سند ارائه دادند که در آن بر ۴ محور سرنوشت‌ساز اشاره شده بود: ۱) سرنوشت بیت‌المقدس ۲) بازگشت آوارگان فلسطینی ۳) پرچیدن شهرک‌های صهیونیست‌نشین و ۴) تعیین مرزهای نهایی فلسطین. پافشاری طرف اسرائیلی به موضوعات پیش پا افتاده و مندرج از بند اول نقشه راه و خلع سلاح گروه‌های فلسطینی تحت عنوان مبارزه با تروریسم و نپذیرفتن پیشنهاد ابومازن برای آزادی برخی از اسرای فلسطینی از زندان‌های اسرائیل سبب شد تا همین سند بی‌رقم به بیانه‌ای تنزل یابد و همگان با دستان خالی و چهره‌های عوس به خانه بازگردند. نکته قابل تأمل آن که ابومازن از ۴ اصل مهمی که فلسطینی‌ها ابتدا بر آن پافشاری می‌کردند سخن به میان نیاورد فقط به این خاطر که اولمرت را راضی کند تا از تأکید بر «یهودی بودن» صرف اسرائیل خودداری کند. بوش نیز در سخنرانی خود بر تعهد آمریکا به حفظ امنیت اسرائیل به عنوان «وطن قوم یهود» تأکید کرد و به زعم خود هویت یهودی تام و تمام اسرائیل را تثبیت کرد.

ورای این اهداف، بوش مقاصد دیگری نیز از این کنفرانس بین‌المللی داشت. وی درصدد بود تا بار دیگر اعراب را در کنار اسرائیل قرار دهد و با این میهمانی اسرائیل را از انزوایی که اعراب برای آن ساخته بودند، خارج سازد. در این راستا بوش مهم‌ترین تصمیم سال ۸۶ خود را گرفت: واشنگتن برای گشودن راه سازش اعراب و اسرائیل مشوق‌هایی به برخی کشورهای عربی اعطا کرد و ۶۱ میلیارد دلار کمک تسلیحاتی را میان آنان تقسیم کرد که سهم بزرگ آن با ۳۰ میلیارد دلار به اسرائیل رسید. این شش‌هفته عمده‌تان بدان منظور تنظیم شد تا از سوی دیگر آمریکا از نفوذ ایران در میان فلسطینی‌ها بویژه حماس بکاهد.

هدف دیگر بوش در این حرکت همراه کردن سوریه با اعراب و جدا ساختن آن از ایران بود اما در این میان سوریه برای حل بخشی از موانع مسئله جولان را مطرح کرد که نه اسرائیل و نه آمریکا حاضر نشدند بر سر آن مذاکره کنند. در نتیجه فاز مذاکره با سوریه نیز در سال ۸۶ به نتیجه‌ای نرسید.

وقتی اولین علائم شکست اجلاس پانزده نمایان شد برای نجات آن به عنوان آخرین امید بوش، فرانسوی‌ها

کنفرانس پاریس را میزبانی کردند که در آن کشورهای شرکت‌کننده وعده دادند کمک‌های کلانی به ابومازن ارائه دهند. این کنفرانس جنبه اقتصادی آنابولیس را تکمیل می‌کرد. پس از این دو کنفرانس مذاکرات تشکیلات خودگردان با اسرائیل وارد فاز جدیدی شد اما طرف‌های فلسطینی و اسرائیلی بارها اعلام کرده‌اند که امیدی به دستیابی به سازش در سال ۲۰۰۸ وجود ندارد و طرف‌های مذاکره‌کننده فلسطینی از جمله صائب عریقات مذاکره‌کننده ارشد فلسطینی به واقعیت مهمی دست یافتند و علناً اعلام کردند که اسرائیل مذاکرات را به شکست نزدیک کرده است.

● سو این گونه یورش به غزه آغاز شد

واقعیتی که تیم مذاکره فتح از آن پرده برداشت چیزی نبود جز نقشه شومی که باراک و ژنرال‌های اسرائیلی برای یورش به غزه کشیده بودند. به گفته آگاهان ابومازن نه تنها از نقشه اولمرت و باراک برای غزه باخبر بود بلکه چراغ سبز سرکوب حماس را داده بود. فتح تصور می‌کرد که در این بستر می‌تواند سلطه خود بر غزه را بازباید و نتیجه انتخابات ژانویه ۲۰۰۶ را به نفع خود رقم زند. لذا فتح و اسرائیل ابتدا اطلاعاتی را در باره مردان حماس مبادله کردند و با پشتیبانی فتح بود که اسرائیل شریان‌های اقتصادی و برق نوار غزه را قطع کرد. پیام آشکار این محاصره خصومت واقعی فتح با برادران خود در نوار غزه را عیان ساخت. ایهود باراک وزیر جنگ اسرائیل به عنوان سرسلسله جنگ طلبان کابینه اسرائیل را ترغیب به تصویب طرح حمله و ترور رهبران حماس کرد که در هیچ یک از موارد با محکومیت واقعی کسانی که پس از آنابولیس از پایان آتش بازی اسرائیل کرده بودند مواجه نشد. این سکوت رصامت‌مندانه جهانی اسرائیل را ترغیب کرد تا به بهانه مقابله با موشک‌های فلسطینی‌ها یک و نیم میلیون ساکن نوار غزه را در محاصره اقتصادی قرار دهد.

پس از آن که نوار غزه با بحران انسانی مواجه شد مبارزان فلسطینی در اقدامی تاریخی با انفجار در دیوار گذرگاه رفح راه ورود اهالی غزه به مصر را بساز کردند. نیروهای امنیتی مصر ابتدا بدون مقاومت در برابر حرکت مردم به شکسته شدن تدابیر اسرائیل در محاصره غزه کمک کردند اما چندی بعد و در پی فشارها و ادعاهای اسرائیلی مبنی بر احتمال رخنه مبارزان فلسطینی به سرزمین‌های اشغالی از طریق خاک مصر گذرگاه رفح را بستند و راهبرد سرکوب اسرائیل بار دیگر تا اندازه‌ای زنده شد.

اسرائیل در پی تکامی در این ترفند بار دیگر به گزینه نظامی روی آورد و هفته آخر فوریه مرحله جدیدی از تعرض و تجاوز نظامی به نوار غزه و اهالی آن را آغاز کرد. بر اثر این حملات بیش از ۱۲۰ فلسطینی که تعدادی کودک خردسال نیز در میان آنها دیده می‌شد به شهادت رسیدند. ندای عرب نیز در سکوت و در انزوای خود تنها به تماشای صحنه‌های دلخراش در غزه پرداخت و با این حرکت، علامت سؤال بزرگ در آذهان عمومی نشاند. سالی که بر حماس و مردم نوار غزه گذشت سالی سراسر تهدید و تهاجم به پایگاه انقلابیون حماس بود.

با این حال حماس همچنان از اصل بنیادین خود بر ناپذیری اسرائیل و آزادی قدس شریف از بند صهیونیسم عدول نکرد و در کنار جهاداسلامی فلسطین، قوی‌ترین سپهر دفاعی را در برابر اسرائیل ایجاد کرد. داستان تلاش مقاومت برای حفظ دولت دموکراتیک و مردمی در آخرین روزهای سال ۸۶ رنگ حماسه را به خود گرفت. آنگاه که کودک ۹ ماهه فلسطینی نیز شهید شهادت نوشید تا خون تازه‌ای در کالبد جوانان انقلابی این سرزمین جاری شود.

● درباره غزه

نوار غزه باریکه‌ای به طول ۲۵ مایل و عرض ۶ مایل در منتهی‌الیه جنوب شرقی دریای مدیترانه و میان شبه جزیره سینا و سرزمین‌های اشغالی قرار گرفته است. بیش از ۳ هزار سال از سکونت نیاکان مردم غزه در این منطقه می‌گذرد. غزه گذرگاه تمدن‌های باستانی و منطقه راهبردی در مدیترانه بوده است. این منطقه صدها سال تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی اداره می‌شد و پس از جنگ جهانی، غزه در کنار سایر مناطق فلسطینی تحت حاکمیت بریتانیا درآمد. در جریان جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ که اسرائیل موجودیت خود را اعلام کرد اداره غزه به مصر واگذار شد. در جنگ ۱۹۶۷ اسرائیل غزه را از مصر گرفت و تا سپتامبر ۲۰۰۵ در آنجا ماند. در همان سال بود که اسرائیل ۸۵۰۰ صهیونیست شهرک نشین را از ۲۱ نقطه در غزه خارج کرد و به ۴ دهه اشغال پایان داد. نوار غزه ۱/۵ میلیون نفر جمعیت دارد که جزو پرتراکم‌ترین مناطق در دنیاست. نیمی از ساکنان نوار غزه آوارگان جنگ‌های پیشین اسرائیلی یا از اعقاب این آوارگان هستند. بسیاری از مردم آن روزانه کمتر از ۲ دلار درآمد دارند که تحریم‌های غرب و اسرائیل وضعیت معیشتی مردم را وخیم‌تر کرده است.

